

بهبانہ ارتباط

متن خوانی با یک نفس:

در ابتدای جلسہ مبلغ محترم از تعدادی از دانش آموزان دعوت می کند تا با یک نفس، برخی جملات و متن های مانند آن را انجام دهند؛ مثل خواندن سوره ی حمد، کوثر یا فلق، قدر و...، یا این که مثلاً دانش آموز خود را به طور کامل معرفی کند، همراه با ذکر کلاس و نام معلم، معدل سال گذشته، دوست صمیمی و...

آفرین به دوستانی که به خوبی توانستند مسابقه را با زیبایی و دقت انجام دهند. حالا من چند سؤال دیگر می پرسم تا کسانی که هنوز در برنامه شرکت نکرده اند نیز، فرصت حضور و کسب جایزه را پیدا کنند.

تذکر: مبلغ محترم سؤالاها را که همراه با چاشنی طنز و شادی برای دانش آموزان است، بیان کرده و پاسخها را در تابلو به صورت عمودی می نویسد و به نفرات برگزیده، جوایزی اهدا می کند.
سؤال اول:

یک جانور موذی سر تا پا طلادوزی

سؤال دوم:

هم در داروخانه است و هم در فرودگاه؟
باند

سؤال سوم:

سه دکان تو در تو، اولی چرم فروش، دومی پرده فروش، سومی یاقوت فروش؟
انار

سؤال چهارم:

هم در دریاست و هم در غذا؟
نمک

سؤال پنجم:

آن چیست که پا و سر ندارد
گرد است و دراز، در ندارد
توی شکمش ستارگان است
جز نام دو جانور ندارد؟
خربزه

سؤال ششم:

بزرگترین حیوان دریایی؟
وال

سؤال هفتم:

وقتی فوتش کنی، جیغ می کشد؟
شیپور

خب بچه‌ها! حالا یک دقیقه فرصت دارید تا با کنار هم قرار دادن حروف اول این کلمات، جمله مورد نظر را پیدا کنید. یک دقیقه از همین الان شروع شد.....

آفرین! «زبان خوش».

تبیین متن و محتوا

یکی از نعمت‌های بسیار با ارزش خداوند به انسان، زبانی است که با وجود کوچکی و مخفی بودن در دهان انسان، کارهای بزرگ - مثبت یا منفی - انجام می‌دهد.

خداوند در قرآن کریم به ما یاد داده است که با مردم این طور حرف بزنید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ

حُسْنًا^۱ یعنی با مردم با زبان خوش حرف بزنید.

یادآوری: آیه روی تابلو نوشته شود.

زبان خوش داشتن، یعنی احترام گذاشتن به شخصیت دیگران. این مثل مشهور را همه شنیده ایم که گفته می‌شود (بفرما، بشین و بتمرگ) هر سه به يك معنا هستند؛ یعنی هر سه جمله، يك مطلب را می‌رسانند، ولی جمله اول زیباست و باعث خوشحالی و احساس شخصیت مخاطب می‌شود و جمله سوم زشت است و باعث ناراحتی مخاطب می‌شود و جمله وسطی، ما بین آن دو است.

به خاطر همین است که خداوند تأکید می‌کند که با همگان با زبان خوش، مهربانانه و محترمانه حرف بزنید. مثلاً وقتی به نانویی می‌رویم، خوب است به نانوا بگوییم: سلام آقای نانوا! لطفاً دو تا نان» نه اینکه همین طور برویم و پول را آنجا بگذاریم و نان را برداریم و برگردیم! یا در مدرسه وقتی می‌خواهیم سؤالی از معلم خود پرسیم، خوب است با احترام از معلم خود اجازه بگیریم و بعد صحبت کنیم، نه اینکه وسط حرف معلم یا دیگران بپریم و صحبتشان را قطع کنیم!

در خانه هم اگر خواستیم مثلاً درباره غذای نهار پرسیم، همین که از بیرون آمدیم، نگوییم: مامان! نهار چی درست کردی؟! اول باید سلام کرد و خسته نباشید گفت، بعد با ادب و احترام سؤال خودمان را پرسیم که چه غذایی پخته است.

وقتی این طور با دیگران سخن گفتیم، نتیجه اش چه می‌شود؟


یادآوری: مبلغ محترم در راستای پویایی جلسه، از نظرات دانش آموزان استفاده کند.

آنها هم به شخصیت ما احترام می‌گذارند و ما را به خاطر با ادب بودن، دوست خواهند داشت و با احترام با ما برخورد خواهند زد.

امام محمد باقر علیه السلام درباره این گفته خداوند که «با مردم به زبان خوش سخن بگویند» فرمودند: معنای این آیه این است که یعنی بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنها بگویند»^۱.

پیام‌های کاربردی تربیتی

خب بچه‌های عزیز، حالا می‌خواهم یک جمله یادگاری و زیبا برای شما نقل کنم. البته خودتان باید از میان این جدولی که برای شما می‌کشم، این جمله را به دست بیاورید.

م	ر	ش	گ
ث	ف	ن	ر
ل	ب	ه	گ
ب	ا	ت	

رمز جدول: عدد ۴

شیوه‌ی پیدا کردن رمز: ابتدا حرف اول (م) را نوشته و با رمز ۴ به صورت افقی شروع به شمارش کنید، یعنی دومین حرف به دست آمده (ث) خواهد بود و همین طور ادامه دهید تا ۱۵ حرف که کامل شد، با آنها جمله مورد نظر را کامل کنید. توجه داشته باشید که خانه‌ی آخر که با رنگ تیره مشخص است، جزء شمارش جدول نبوده و شمرده نمی‌شود.

جمله مورد نظر: مثل برف باش نه تگرگ.

یعنی حرفی که از دهان انسان بیرون می‌آید، باید مثل برف لطیف و نرم باشد تا دل دیگران را خنک و آرام کند، نه مثل تگرگ که خسارت زای بوده و همه از آن فرار می‌کنند.

۱. فی قوله «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»، قال: قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ، وَيُحِبُّ الْحَيَّيَ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ». امالی صدوق، ص ۳۲۶.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند»^۱.

پس فراموش نکنیم که حرف مثل برف است؛ اگر به قول قرآن کریم، «نرم و لین» باشد، بر دل می‌نشیند و دلنشین خواهد شد.

داستان

داستان اول

حالا در پایان جلسه، من دو داستان برای شما نقل می‌کنم تا ببینید بزرگان و پیشوایان ما در مقابل بدزبانی دیگران چه واکنشی داشتند.

روزی یکی از یاران امام صادق علیه السلام همراه ایشان عازم جایی بودند. آن مرد غلامش را که از آن‌ها عقب افتاده بود صدا زد، ولی غلام جوابی نداد، بار دوم نیز او را صدا کرد، اما پاسخی نشنید، برای بار سوم او را صدا زد، ولی جوابی از غلام نرسید، آن‌گاه او را دشنام داد و حرف زشتی به زبان آورد.

در این هنگام امام صادق علیه السلام، با شنیدن این سخن زشت، ایستادند و فرمودند: «چه گفتی؟» آن مرد گفت: یابن رسول الله، این‌که به او این حرف زشت را زدم اشکالی ندارد، آخر پدر و مادرش اهل هندوستان‌اند و مسلمان نیستند.

حضرت فرمود: «مرا با پدر و مادر او کاری ندارم، به تو می‌گویم چرا فحاشی و بدزبانی می‌کنی؟»

بعد فرمودند: «دیگر حق نداری با من رفت و آمد کنی»^۲.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۲۴.

داستان دوم

یهودیان با یکدیگر نقشه کشیدند که نسبت به پیامبر اسلام ﷺ ناسزا بگویند. آنها یکی یکی بر حضرت وارد می شدند و به عنوان سلام می گفتند: السّام علیکم؛ یعنی مرگ بر شما. حضرت با متانت، در پاسخ آنها تنها می گفتند: «علیکم».

همسر پیامبر «عایشه» از این گستاخی یهودیان ناراحت شد و آنان را به باد دشنام گرفت و گفت: مرگ بر شما باد ای فرزندان خوک و میمون.

پیامبر ﷺ عایشه را از این کار بازداشت و فرمود: «[خودت هم مثل آنان رفتار می کنی و فحش می دهی!]، اگر حقیقت ناسزاگویی مُجَسَّم شود [به شکل تصویر در آید]، زشت ترین صورت ها را دارد. مگر نشنیدی که من در جواب آنها فقط "علیکم" گفتم؛ یعنی بر خود شما»^۱.

دعا و نیایش

خدایا! زبان ما از زشتی و آلودگی به گناه دور کن!

خداوندا! کمک کن تا با دیگران، با زبان ادب و احترام حرف بزنیم.

خدایا! سخنان شایسته و مؤدبانه بر زبان ما جاری کن!

خدایا! ما را از بدزبانی، تهمت، دروغ و بی ادبی، دور کن!

خدایا! زبان ما را به ذکر، دعا، مناجات، صلوات فرستادن و مهربان سخن گفتن با پدر و مادر،

عادت بده!

خدایا! ظهور آقا امام زمان (عج) را نزدیک کن!

خداوندا! رهبر عزیز انقلاب، حفظ بفرما.

پایان

متن مطالعاتی

الف: داستانی از پیامد زبان

شخصی به نام «ثابت بن قیس»، گوش‌هایش سنگین بود و هنگامی که وارد مسجد می‌شد کنار پیامبر ﷺ جایی برایش باز می‌کردند تا سخن حضرت را بشنود. روزی دیر رسید. پیامبر بعد از نماز مشغول سخن گفتن بود.

ثابت، صف‌های جماعت را یکی پس از دیگری شکافت تا به صف اول رسید. وقتی که خواست از این صف نیز بگذرد تا نزدیک پیامبر اکرم ﷺ برود، شخصی به او گفت: همین جا بنشین. اما او در جواب با بدزبانی پاسخ داد و گفت: ای فرزند فلان زن!

ثابت در این جا آن شخص را با نام مادرش صدا زد که در جاهلیت بر اساس رسم‌های جاهلی کارهای زشتی کرده و اینک بدنام بود، از این رو آن مرد شرمگین شد، در این هنگام این آیه نازل شد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ...»^۱

ب: روایاتی پیرامون خوش‌زبانی

حضرت علی عليه السلام روایات ناب و سخنان بسیار زیبایی در این باره دارند که به تعدادی از آنها

اشاره می‌کنیم.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۱.

۱. «أجملوا في الخطاب تسمعوا جميل الجواب؛ سخن گفتن (با دیگران) را زیبا کنید تا پاسخ زیبا (از آنان) بشنوید.»^۱

۲. «مَنْ عَذِبَ لِسَانَهُ كَثْرًا إِخْوَانَهُ؛ هر کس شیرین سخن باشد، برادران او فراوان شوند.»^۲

۳. «جَمِيلُ الْقَوْلِ دَلِيلٌ وَفُورُ الْعَقْلِ؛ زیبایی سخن، نشانه فزون خردی است.»^۳

۴. «الْمَرْءُ يَوْزَنُ بِقَوْلِهِ وَيَقُومُ بِفِعْلِهِ فَقُلْ مَا تَرْجَحُ زَنْتَهُ وَافْعَلْ مَا تَجَلُّ قِيَمَتَهُ؛ انسان به

گفتارش سنجیده و به رفتارش ارزشگذاری می‌شود. بنابراین، چیزی بگو که گرانبایه و کاری بکن که گرانبها باشد.»^۴

۵. «فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْتُمْ تَسْلَمُ مِنَ الزَّلْزَلِ؛ نخست اندیشه کن آن گاه سخن گوی تا از لغزش‌ها در امان باشی.»^۵

۶. «مَنْ لَانَتْ كَلِمَتُهُ وَجِبَتْ مَحَبَّتُهُ؛ هر کس سخن گفتنش نرم و روان باشد، دوست داشتش نیز بایسته باشد.»^۶

۷. «عَوَّدَ لِسَانَكَ حَسْنَ الْكَلَامِ تَأْمَنُ الْمَلَامُ؛ زبان خویش را به سخنان پسندیده عادت ده تا از سرزنش (دیگران) در امان باشی.»^۷

۸. «إِيَّاكَ وَمَا يَسْتَهْجِنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْبِسُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَيَنْقُرُ عَنكَ الْكِرَامُ؛ از سخنان زشت پرهیز کن؛ زیرا فرومایگان را به گردت نگه می‌دارد و گرانبایگان را از گردت می‌راند.»^۸

۱. مُعْجَمُ الْفَاظِ غُرَّرَ الْحِكْمِ وَدُرَّرَ الْكَلِمِ، ص ۲۹۴، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳.

۲. ص ۱۰۲۸.

۳. همان، ص ۹۴۶.

۴. همان، ص ۱۲۶۴.

۵. پیشین، ص ۹۹۴.

۶. همان.

۷. همان، ص ۹۹۵.